

بررسی و نقد منابع اسلامی جنگهای صلیبی با تکیه بر الکامل ابن اثیر

دکتر محمد حاجی تقی استادیار گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

مصادر اسلامی جنگهای صلیبی در طیفی وسیع از سنت های تاریخنگاری یافت می شوند که هر چند از زاویه نگرش مسلمین این جنگها را ارزیابی می کنند لیکن بواسطه نزدیکی به رویدادها و دسترسی به اسناد و روش علمی که تاریخنگاران اسلامی بویژه ابن اثیر به آن پایبند بوده اند از اعتبار بسیار برخوردارند. بررسی روش های تاریخنگاری و ارزیابی شیوه علمی گزینش و چینش روایات مصادر اسلامی و میزان و حوزه اعتبار این روایات در جنگ های صلیبی مسائل تحقیق این مقاله اند. از این منابع ابن قلانسی در جنگ های اول و دوم صلیبی و عماد اصفهانی در جنگ سوم از اعتبار خاص برخوردارند. ابن اثیر که در کتاب الکامل خود علاوه بر روایات شفاهی و مشاهدات خود، از این منابع و مصادر دیگر استفاده فراوان کرده است لیکن در چینش روایات خود و ارزیابی و نقد و تحلیل روایات، هم در ساختار و هم در محتوای تغییر ایجاد کرده است و با توجه به کمیت و کیفیت روایاتش، جامع ترین و معتبرترین منبع اسلامی جنگهای صلیبی را ارائه نموده است.

واژگان کلیدی: تاریخنگاری، ابن اثیر، عماد اصفهانی، ابن قلانسی، جنگ صلیبی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۰/۳/۲۱

E-mail: m-hajtaghi@sbu.ac.ir

مقدمه

اردوکنشی‌های گسترده مسیحیان اروپا به رهبری پاپ علیه جهان اسلام در بین سالهای ۴۹۰-۶۲۸ قمری انعکاس گسترده‌ای در آثار مسیحی و اسلامی آن عصر بر جای نهاد. این منازعات که امروزه بنام جنگ‌های صلیبی مشهور است در منابع اسلامی با عنوان جنگ‌های "فرنگ" یا "افرنک" معرفی می‌شوند^۱ و در طیف گسترده‌ای از آثار آن دوره از آن جمله تواریخ عمومی، سلسله‌ای، محلی، تراجم تک‌نگاری و تراجم عمومی انعکاس یافته است. امتیاز برجسته این آثار در این است که نویسندگان آن یا خود شاهد وقایع بوده‌اند یا در نزدیکی این رویدادها بسر میبرده‌اند و غالباً از کاتبان و صاحب‌منصبان این عصر میباشند که دسترسی به اسناد و مکاتبات رسمی داشته‌اند.

در میان این آثار تنها کتابی که موضوع آن صرفاً به جنگ‌های صلیبی اختصاص دارد "المُقَوَّف" اثر حمدان بن عبدالرحیم بن ابی موفق تمیمی اثاری حلبی (۴۶۰-۵۴۲) (بن‌العدیم، ۱۹۸۸/ ج ۶: ۲۹۲۶)^۲ است که اولین کتاب تاریخ‌نگاران مسلمان در این جنگ‌ها نیز می‌باشد. اثاری از دیوانسالاران محلی حلب است که به شعر و ادب و تاریخ و علم فلک و طب‌آشنایی داشته است و با ورود صلیبیون به منطقه در خدمت ایشان قرار می‌گیرد. در سال ۵۲۱ بعد از این که بیماری سرورش سرمانوئل را مداوا کرد روستای معربونیه^۳ را به پاداش از او گرفت. بعد از آزادسازی این منطقه توسط عمادالدین زنگی (۵۳۳) اثاری به خدمت وی درآمد و مسئول دیوان منطقه جزر شد وی در پاره‌ای از اوقات سفارت به نزد امرا و سلاطین جهان اسلام را عهده‌دار شد^۴ او آغازنگارش کتاب خود را سال ۴۹۰ قرار می‌دهد و بر آن بوده است تا گزارش مشاهدات خود از عادات، سنن و روش ملک داری صلیبیون را تدوین کند (مباحث و اموری که مصادر دیگر اسلامی عاری از آن هستند) در حالیکه حوادث را از نزدیک خود به معاینه دیده است. از این اثر جز بخش‌های کوچکی از آن در کتاب ابن‌عدیم چیزی باقی نمانده است. (ابن‌العدیم، ۱۹۸۸/ ج ۶: ۲۹۲۶-۲۹۲۳-۲۹۳۰-۲۹۲۷).

در میان آثار تاریخ‌نگاران اسلامی، شیوه‌سالنامه‌نگاری در محدوده‌ی یک شهر یا منطقه از جمله سبک‌های نگارش تواریخ محلی است. از این نمونه تواریخ در این دوره، کتاب ذیل تاریخ دمشق ابویعلی حمزه بن اسد بن علی بن محمد التمیمی معروف به ابن‌قلانسی است (۴۶۵-۵۵۵). (الحموی، ۱۹۲۲/ ج ۱۰: ۲۷۸) این اثر از قدیمی‌ترین منابع جنگ‌های صلیبی است به ویژه جنگ‌های دوره اول (۴۹۰-۴۹۲) و دوره دوم (۵۴۳-۵۴۲) که ابن‌قلانسی معاصر آن بوده است (العرینی، ۱۹۶۲: ۱۹۲) و به عنوان رییس دیوان دمشق امکان دستیابی به گزارش‌های روزانه و سندهای رسمی را داشته است (ابن‌القلانسی،

۱۹۰۸: ۱۸۲، ۲۵۵). برای نمونه در واقعه محاصره دمشق در ایام نورالدین محمود زنگی اسنادی که ارائه میدهد در هیچ منبعی یافت نمی شود. (ابن الاثیر، ۱۹۶۳: ۸۹-۸۸). اطلاعات وی درباره دوره اتابک طغتكین (۴۹۷-۵۲۲) و اقدامات او علیه صلیبیون در دمشق و ولایات همسایه چون جزیره و مصر با اهمیت است. (Gabrieli, 1962: 102) علاوه بر اسناد و مشاهدات شخصی اش وی مصادر اصلی اطلاعات خود را از افواه ثقات می آورد. او البته تاکید می کند که به این اندازه هم بسنده نکرده است و با استقصا و بحث از صحت این اخبار مطمئن شده است.^۵ از مواردی که حاکی از دقت و وسواس علمی ابن قلائسی است اینکه وی برای حوادث هر سال کاغذ سفیدی قراری داده است تا با گذشت زمان اگر کم و کیف و یا صدق و کذب آن تغییر کرد آن را اصلاح کند. ^۶ از این سبک کتاب دیگر زبده الحلب من تاریخ حلب نوشته ابن عدیم (متوفی: ۶۶۰) است آن نیز بر اساس توالی سنوات نوشته شده است (ابن العدیم، ۱۹۶۸/ج ۱: ۵۶) و اطلاعات مهمی را درباره جنگ صلیبی اول و فرماندهان ایشان ارائه می دهد (همان، ج ۲: ۱۲۹). که ابن اثیر از آنها استفاده کرده است (ابن الاثیر، ۱۹۶۶/ج ۱۰: ۲۷۲). شیوه دیگر نگارش تواریخ محلی، در قالب تراجم بزرگان شهر همچون علما وادبا و شعرا و حکام بر اساس حروف ابجد یا هجایی بوده است از این شیوه نگارش اثر دیگر ابن عدیم کتاب بغیه الطلب فی تاریخ حلب ابن عدیم است که اطلاعات ارزشمندی از قلاع و شهرهائی که تحت حکم صلیبیان بوده، ارائه می کند (مصطفی، ۱۹۹۸/ج ۱: ۳۲).

در میان آثار تک‌نگاری این دوره شخصیت برجسته صلاح الدین ایوبی در پاک سازی اماکن مقدسه فلسطین از صلیبیون محور نگارش اثری درباره ی اخبار وی گردید از جمله این آثار دو کتاب ابوعبد الله محمد بن صفی الدین محمد بن هبه الله معروف به برادرزاده عزیز^۷ و ملقب به عمادالدین کاتب اصفهانی (سبط ابن الجوزی، ۱۹۵۲، ق ۲/ج ۸: ۵۰۴) به نامهای الفتح القسی فی الفتح القدسی والبرق الشامی است. عماد به سال ۵۱۹ قمری در اصفهان در خانواده ای دیوانسالار متولد شد و علوم عصر خود را در شهرهای کاشان، اصفهان و بغداد فراگرفت ((الاصفهانی: ۱۹۶۴)) و به ترتیب در خدمت نورالدین و صلاح الدین ایوبی به عنوان کاتب انشاء در دیوان قرار گرفت (البنداری، ۱۹۷۹: ۱۸، ۷۵، ۲) وی در دهه آخر عمرش گرفتار منازعات فرزندان صلاح الدین شد و در دمشق کنج عزلت برگزید و به تالیف و تنظیم آثارش پرداخت و به سال ۵۹۷ وفات یافت (ابن خلکان: ۱۹۷۷/ج ۵: ۱۵۲-۱۴۹). کتاب فتح قسی عماد که به نثری متکلف و مصنوع و مسجع نگاشته شده است حوادث بین سالهای ۵۸۳ تا ۵۸۹ یعنی از آزادی بیت المقدس تا وفات صلاح الدین را به ترتیب سنوات ذکر کرده است. در بیشتر این رویدادها عماد در کنار صلاح الدین و شاهد عینی وقایع بوده است. عماد اطلاعات مشروحی از مقدمات

و اقداماتی که به آزادی بیت المقدس انجامید و نیز اخبار بیت المقدس ارائه میدهد. عماد در این اثر از نامه های رسمی که به نیابت از صلاح الدین به خلافت عباسی و امرای دیگر بلاد می نوشته بسیار بهره برده که اطلاعات زیادی از اوضاع مسلمین و جنگ هایشان با صلیبیان به ما میدهد (الاصفهانی، ۱۹۶۵: ۵۸؛ ۱۱۶؛ ۱۴۵؛ ۲۳۳؛ ۲۹۶؛ ۳۱۳).

کتاب دیگر وی برق شامی در سیرت صلاح الدین ایوبی است که در ۷ جلد نگاشته شده است (ابن خلکان، ۱۹۷۷/ج ۵: ۱۵۰). و از تاریخی که وی به خدمت نورالدین زنگی درآمد، (البنداری، ۱۹۷۹: ۷) سال ۵۶۲ تا پایان دولت صلاح الدین (۵۸۹) و نزاع های فرزندان او را آورده است، (ابو شامه، ۱۹۶۵/ج ۲: ۲۲۸). که متأسفانه تنها جلد ۵ و ۳ آن به دست ما رسیده است. جلد سوم شامل حوادث سال‌های ۵۷۳ تا ۵۷۵ و جلد پنجم که حوادث سال‌های ۵۷۸ تا ۵۸۰ را دربر دارد. بخش های دیگر از محتوای کتاب را می توان در کتاب سنا البرق الشامی بنداری که خلاصه این کتاب است یافت مع الوصف این اثر هم تا حوادث سال ۵۸۳ برجای مانده است. (البنداری، ۱۹۷۹: ۷) خوشبختانه ابوشامه در کتاب الروضتین خود روایات زیادی را نقل کرده است که ما را با محتوای برق شامی ولو مختصر آشنا می کند. (ابو شامه، ۱۹۶۵/ج ۲: ۲۴۵).

کتاب دیگر که از اهمیت بسیاری برخوردار است کتاب النوادر السلطانیه و المحاسن الیوسفیه مورخ موصلی بهالدین شداد (متوفی: ۶۳۲) است. که آن نیز به زندگانی صلاح الدین ایوبی اختصاص دارد. این شداد در قسمت اول کتاب خود زندگانی صلاح الدین را به طور مختصر ذکر کرده و سپس مناقب و مآثر وی را آورده است. در قسمت دوم از زمان حضور صلاح الدین در سپاه عمویش اسد الدین شیر کوه در حرکتش به مصر در سال های ۵۵۸، ۵۶۲ و ۵۶۴ تا حکومت وی بر مصر بعد از مرگ خلیفه فاطمی العاضد لدین الله (۵۶۷-۵۵۶) و نیز اقدامات وی تا مرگ نور الدین محمود زنگی (۵۶۹) و ظهور او به عنوان حاکم سرزمینهای مصر و شام گزارش می دهد. بعد از ان ابن شداد از تلاشهای صلاح الدین در متحد کردن جبهه شام و فتح بیت المقدس می نویسد (ابن شداد، ۱۹۶۴: ۳۶ تا ۵۰) بخش هائی از این اثر که به فتوحات صلاح الدین و جهادش با صلیبیان از سال ۵۸۴ می پردازد از نظر کثرت معلوماتی که از دو جبهه مسلمین و صلیبیان می دهد حائز اهمیت بسیار است خاصه این که او از همین زمان تا مرگ صلاح الدین در سلک ملازمان وی بوده است. (Richards: 1980. 62) بسیاری از اطلاعات ابن شداد از این دوره در آثار عماد اصفهانی یافت نمی شود

از میان تراجم نگاریهای عمومی این دوره کتاب *مراه الزمان فی تاریخ الاعیان سبط بن جوزی* (متوفی: ۶۵۴) که در آن تراجم و وفیات در خلال حوادث به شیوه سال نامه نگاری آمده و از بزرگترین کتابهای تاریخ اسلامی است. ارزش این اثر در ثبت رویدادهای جنگ صلیبی پنجم (۶۱۵-۶۱۸) در مصر می باشد که وی خود شاهد وقایع بوده و اطلاعات بسیار ارزشمندی درباره این جنگ ارائه می دهد (سبط ابن الجوزی، ۱۹۵۲/ج ۸: ۶۳۲-۵۹۲).

برجسته ترین تواریخ سلسله ای این دوره کتاب *الباهر فی الدوله الاتابکیه ابن اثیر* است که اخبار این دولت را در موصل از سال ۴۷۷ تا ۶۰۷ در بر می گیرد و درباره دو شخصیت برجسته این خاندان زنگی، عماد الدین و فرزندش نورالدین محمود که نقشی قاطع در جهاد بر ضد صلیبیان داشتند، اطلاعات دست اول می دهد. منبع اصلی روایات ابن اثیر در این کتاب روایات شفاهی پدرش می باشد. ابن اثیر در ضمن اخبار این دو شخصیت اطلاعات فراوانی درباره اقدامات ایشان در زمان آزادی قلاع و پادگانهای که در دست صلیبیان بود میدهد (ابن الاثیر، ۱۹۶۳: ۱۵-۳). این اثر درباره اوضاع منطقه جزیره و شام قبل از دوره عمادالدین (۵۲۱) و استیلای صلیبیان بر این مناطق اطلاعات ارزشمندی دارد. ابن اثیر مضمون روایات الباهر را بر روایات الذیل در کتاب *الکامل* ترجیح میدهد و سعی میکند روایات آن را مختصر بیاورد (همان: ۳ و ۳۲ و ۳۳) بنظر میرسد زمانی که ابن اثیر کتاب باهر را می نوشته با کتاب الذیل آشنا نبوده است. بدون شک این اثر خالی از ملاحظاتی که هر مخدومی به خادم خود دارد نیست. لیکن از باب دقت نظر در نقل سنوات جنگهای صلیبی و انعکاس دیدگاههای مردم موصل در این جنگها کم نظیر میباشد.

کتاب دیگر *الروضتین فی اخبار الدولتین النوریه و الصلاحیه اثر ابی شامه* (متوفی ۶۶۵) (Ahmad: 1962. 90-91) که در اخبار پادشاهی نورالدین محمود زنگی و صلاح الدین ابن ایوب از سال ۵۴۰ تا ۵۸۹ می باشد (مصطفی، ۱۹۹۸: ۴۸-۴۷). ابوشامه در این اثر بیشتر اخبار نورالدین زنگی را از کتابهای الذیل ابن قلانسی و کتاب الباهر ابن اثیر و کتاب *البرق الشامی* عماد اصفهانی گرفته است^۱ اما بخش مربوط به دولت پادشاهی صلاح الدین ایوبی از منابع متنوع تری برخوردار است که مهم ترین آنها فتح قسی و برق شامی عماد اصفهانی و کتاب *نوادیر سلطانیه* و محاسن یوسفیه قاضی بهالدین بن شداد (متوفی: ۶۳۲) می باشد (أبو شامه، ۱۹۶۵/ج ۱، ق ۱: ۰۷). اهمیت کتاب *الروضتین* بیشتر در این است که از منابعی بهره جسته که امروز مفقود می باشد مثل کتاب تاریخ ابن ابی طی (متوفی ۶۳۰)^۲ و اقتباسات بسیاری که از رسائل قاضی فاضل (متوفی: ۵۹۶) کرده است (Ahmad: 1962. 93-94) و نیز بخشهای از کتاب برق شامی عماد اصفهانی که امروز موجود نیست (مصطفی، ۱۹۹۸، ج ۱/ ۴۷).

جامع‌ترین و کاملترین منبع جنگهای صلیبی در میان منابع اسلامی کتاب الکامل فی التاریخ نوشته ابو الحسن علی بن ابی‌الکرم شیبانی، معروف به ابن‌اثیر جزری، و ملقب بعزالدینا (۵۵۵-۶۳۰) است (ابن‌الدیبی، ۱۹۷۷/ ج ۲: ۱۳۹) او در جزیره ابن‌عمریدنیا آمد پدرش الاثیر ابی‌الکرام هم مخدوم اتابکان موصل بود و هم تاجری ملاک که سه پسر وی به ترتیب مجدالدین، عزالدین و ضیاءالدین به ابن‌اثیر معروفند و هر سه در علم و ادب و کتابت از سرآمدان روزگار بوده‌اند و نویسنده آثاری بسیار، از ایشان عزالدین در دانش تاریخ آثاری سترگ بجای نهاد که مشهورترین آن الکامل در تاریخ عمومی است که از ابتدای خلقت تا سال ۶۲۸ هجری رویدادهای شرق و غرب عالم اسلامی را در بر گرفته است از خلال نوشته‌هایش می‌توان متوجه شد که وی کثیرالسفر بوده به ویژه در موضوع رویدادهای جنگهای صلیبی او با لشکر صلاح‌الدین همراه بوده است (الکامل، ۱۹۶۶/ ج ۱۲: ۳۳-۲۷۷-۳۵۱). از اینرو این کتاب در تاریخ جنگهای صلیبی اهمیت بسیار دارد و حوادث این جنگها را از سال ۴۹۰ تا ۶۲۸ قمری یعنی هر پنج جنگ صلیبی را در بر دارد شمولی که هیچ یک از مصادر تاریخی این عصر از آن برخوردار نیست (العرینی، ۱۹۶۲: ۲۰۷-۲۰۶).

ابن‌اثیر در نگارش رویدادهای این جنگها به نوشته‌های تاریخی قبل از خود رجوع کرده و بعد از تتبعی ژرف در این منابع به گزینش و ویرایش روایات آنها و چینشی نو در کتاب الکامل پرداخته است. از این آثار کتاب "الذیل" ابن‌قلانسی است که جنگهای مرحله اول و دوم صلیبی را شامل میشود. اثر دیگر کتاب "الباهر" خود ابن‌اثیر است که نقش دولت اتابکان موصل را در جنگ صلیبی دوم نشان میدهد منبع اصلی ابن‌اثیر در جنگ سوم صلیبی دو اثر عماد اصفهانی به نامهای "فتح قسی" و "برق شامی" است که در آنها نقش مجاهدات صلاح‌الدین علیه صلیبیان را روایت کرده. روایات ابن‌اثیر از ابن‌قلانسی در رویدادهای سال ۴۹۱ و ۴۹۲ که مربوط به ورود صلیبیان به شام و جزیره است و واکنش جهان اسلام نسبت به آن حاکی از اطلاع وسیع ابن‌اثیر از منابع دیگری است که او نام آنها را نیاورده، لیکن از آنها در توسعه روایات ابن‌قلانسی استفاده کرده است (ابن‌الاثیر، ۱۹۶۶/ ج ۱۰: ۲۸۲-۲۷۲) ابن‌اثیر در رویدادهای مربوط به صلاح‌الدین بویژه جنگ سال ۵۸۴ با صلیبیان خود شاهد عینی رویدادهاست (همان/ ج ۱۲: ۱۴).

کتاب الذیل ابن‌قلانسی منبع مهمی برای تمامی مورخان بعد از خود بوده است^{۱۰} و تنها منبع اسلامی است که اخبار جنگهای صلیبی اول را گزارش می‌دهد. به طوری که اساس اخبار ابن‌اثیر در رویدادهای بین سالهای ۴۹۰ تا ۵۵۵ این اثر می‌باشد. هر چند ابن‌اثیر قالباً منابع اخبار خود را معرفی نمی‌کند. لیکن در مواردی نیز ناچار از آوردن نام ابن‌قلانسی شده است^{۱۱}. با مقایسه روایات الکامل با

الذیل روشن می شود که ابن اثیر متعهد به حفظ ساختار و محتوای روایات ابن قلانسی خود را نمی‌دیده و با ترکیب^{۱۲} و یا تطبیق آنها با روایات دیگر و یا اطلاعات اضافی آنها را در ساختار اثر خود به کار می‌برده است. ابن اثیر خود در مقدمه الکامل شیوه چینش روایات را جمع روایاتی که در چند سال روی داده در سالی که مختص آن است می آورد. تا حادثه یک پارچگی خود را حفظ کند^{۱۳}. این همان کاری است که او با روایات ابن قلانسی انجام داده است. البته در مواردی نیز ابن اثیر دو روایت متفاوت را با یکدیگر در حوادث یک سال به هم آمیخته و موجب خلط و اشتباه در استفاده از روایات ابن قلانسی شده است.^{۱۴} ابن اثیر تعداد زیادی از روایات و اخبار کوتاه الذیل را در انتهای حوادث هر سال تحت عنوان " ذکر عده حوادث " با یکدیگر می آورد^{۱۵}. علاوه بر ساختار ابن اثیر در محتوای روایات ابن قلانسی نیز تغییراتی ایجاد می کند. این تغییرات بیشتر حاصل تفاوت نسل و اسلوب نگارش این دو شخصیت و نیز جایگاهی است که هر یک در آن قرار داشتند. ابن قلانسی کاتب دیوان و ابن اثیر در درجه اول به عنوان یک مورخ در عصر خود بوده‌اند. و از همه مهم تر این که کتاب الذیل تاریخ محلی در موضوع شهر دمشق است و کتاب الکامل تاریخ عمومی است که طبیعتاً از شیوه‌ای متفاوت پیروی می کند. ابن اثیر روایات ابن قلانسی را که بیشتر شبیه گزارشات یومیه می باشند در ساختاری قرار می دهد که از سه بخش مقدمه، متن و خاتمه تشکیل می یابند^{۱۶}. هر چند در مواردی که روایات پراکنده‌اند^{۱۷} و یا گزارش ابن اثیر از سوابق حادثه آن را از مقدمه بی نیاز می کند (ابن اثیر، ۱۹۶۶ / ج ۱۰: ۶۲۱-۶۲۰-۶۲۲؛ ابن القلانسی، ۱۹۰۸: ۱۷۸-۱۸۲-۲۱۱). و یا روایتی از قبل را به عنوان سبب روایتی جدید می‌آورد از ذکر مقدمه عدول می کند. (ابن اثیر: ۱۹۶۶ / ج ۱۱: ۵۱) لیکن در جز این موارد با مقدمه‌ای که شامل زمان و مکان حادثه است آن را شروع می کند.

ابن اثیر در متن روایات ابن قلانسی نیز تعدیلاتی ایجاد کرده. برای نمونه کلمه (فتح) را در روایات ابن قلانسی به (ملک) تغییر می دهد (ابن القلانسی، ۱۹۰۸: ۱۳۹؛ ابن اثیر، ۱۹۶۶ / ج ۱۰: ۳۲۵). و یا (فملکوها بالسیف) به (و ملکوها عنوه) (همان: ۱۶۳؛ همان / ج ۱۰: ۴۷۶) و نیز (ضایقوها) به (حصروها) (همان: ۲۱۶؛ همان / ج ۱۰: ۶۴۰) و (فنزله علیها) به (فحصرها) و (النغر) به (المدینه) (همان: ۱۳۸؛ همان / ج ۱۰: ۳۲۴) به نظر می رسد این جایگزینی کلمات حاصل تغییر عصر است چرا که شخصیت‌های هم عصر ابن قلانسی هم چون عظیمی از همین کلمات استفاده کرده‌اند^{۱۸} و مورخان معاصر ابن اثیر همچون عماد^{۱۹}، ابن شداد^{۲۰} از ادبیات وی تبعیت میکنند. با این وجود در مواردی ابن اثیر به حذف اصطلاحاتی می پردازد که با آن آشنا نیست. به مانند حذف کلمه ژنی از روایات ابن قلانسی (ابن القلانسی، ۱۹۰۸: ۱۶۲؛ ابن اثیر، ۱۹۶۶ / ج ۱۰: ۴۵۶).

این اثیر در ذکر تواریخ حوادث در روایات ابن قلانسی تعدیلاتی ایجاد کرده، در مواردی با حذف سال و در مواردی نیز ماه و یا روز حادثه البته این اثیر در این موارد از منطق علمی خود تبعیت می‌کند. و غالباً با تطبیق تواریخ روایات ابن قلانسی با روایات دیگر به این کار اقدام کرده است، که در مواردی نیز به اشتباه می‌افتد.^{۲۱} این به غیر از مواردی است که تواریخ مغلط روایات ابن قلانسی او را ناچار به حذف روز یا ماه آن می‌کند (همان: ۲۶۵؛ همان/ ج ۱۱: ۵۷) ترتیب حوادث در روایات ابن قلانسی از موارد دیگری است که این اثیر در آن اعمال نظر نموده است. در مواردی این اثیر ترتیب روایات ابن قلانسی را بر هم زده و با مراجعه به منابع دیگر ترتیبی که با قراین صحیح به نظر می‌رسد بر قرار می‌کند.^{۲۲} و در مواردی دیگر با تغییر در متن روایت تحلیل خود را از موجبات رویداد وارد روایت می‌کند (ابن القلانسی، ۱۹۰۸: ۱۸۳؛ ابن اثیر، ۱۹۶۶/ ج ۱۰: ۴۹۳). این اثیر در چند مورد با تخلف از روایات ابن قلانسی در ترتیب حوادث دچار اشتباه شده و تفسیری نادرست از توالی وقوع حوادث و یا تفسیر رویدادها و یا تاریخ رویدادها ارائه می‌دهد.^{۲۳} در بعضی از موارد یک روایت را در دو جای یک سال به طور تفصیلی و موجز می‌آورد.^{۲۴} و یا یک روایت را در دو سال مختلف نقل می‌کند.^{۲۵} این اثیر چندان به گزارشهای ابن قلانسی درباره تعداد کشتگان در جنگ‌های صلیبی اعتماد نمی‌کند. و این ناشی از توجه وی به بی دقتی این گونه گزارشهاست (ابن اثیر، ۱۹۶۶/ ج ۱۰: ۶۸۵؛ ابن القلانسی، ۱۹۰۸: ۲۴۱). اعلام جغرافیایی و اشخاص روایات الذیل نیز مشمول توجه ابن اثیراند. ابن اثیر از این واقعیت که ابن قلانسی در دمشق بسر می‌برده است و تاریخ وی تاریخ این شهر است که خیلی از اعلام جغرافیایی آن برای نویسنده و خواننده نیازی به توضیح نداشته است و از آن جا که او به مکان و زمان حادثه دور است نیاز به توضیح در مورد اعلام جغرافیایی را برای آگاهی خواننده کتاب خود که در همه جهان اسلام پراکنده اند نه صرفاً شهر دمشق لازم می‌داند (ابن اثیر، ۱۹۶۶/ ج ۱۰: ۳۲۴؛ ابن القلانسی، ۱۹۰۸: ۱۳۸). ابن اثیر در موردی که قادر به شناسایی مکانی نیست به حذف آن می‌پردازد (همان/ ج ۱۰: ۶۸۵؛ همان: ۲۴۰). در مورد فرماندهان صلیبیون نیز ابن اثیر آگاهی‌های دقیقی از هویت و مناطق تحت استیلا ایشان ارائه می‌دهد که در روایات ابن قلانسی دیده نمی‌شود.^{۲۶} این بایستی علاوه بر فاصله ابن اثیر از وقوع حوادث و نیاز به توضیح بیشتر درباره شخصیتها به جامع نگری ابن اثیر و منابع متنوعی که در تدوین روایاتش در دست داشته مربوط باشد.

ابن اثیر در تدوین رویدادهائی که به وفات نورالدین محمود زنگی منتهی می‌شود (ابن اثیر، ۱۹۶۶/ ج ۱۱: ۴۲۰-۴۱۵) و نیز فتوحات صلاح الدین ایوبی در سال ۵۷۰ (الاصفهانی، ۱۹۸۷/ ج ۳: ۲۳) و نیز جنگ‌های وی با صلیبیان در سال ۵۸۳ (الاصفهانی، ۱۹۶۵: ۷۶) (ابن الاثیر، ۱۹۶۶/ ج ۱۱: ۵۳۲) و

جنگ حطین و آزادی بیت المقدس در سال ۵۸۴ و تمامی سواحل شام (ابن شداد، ۱۹۶۴: ۱۷۱) و جنگ صلیبی سوم (۵۸۵-۵۸۷) و قرارداد صلح بین مسلمین و صلیبیان در سال ۵۸۸ (الاصفهانی، ۱۹۶۵: ۵۵۰) تماما به روایات عماد اصفهانی و کتاب البرق شامی و ندرتا الفتح القسی اعتماد می‌کند. و همچون ابن قلانسی صرفا در مواردی از او نام می‌برد که مسئولیت روایت را می‌خواهد متوجه او نماید.^{۲۷} در ضمن حوادث سال ۵۹۷ وی به مرگ عماد اصفهانی اشاره کرده و بدون هیچ نامی از آثار او به معرفی وی به عنوان کاتب نور الدین و صلاح الدین می‌پردازد (ابن اثیر، ۱۹۶۶/ج ۱۲: ۱۷۱)

ابن اثیر در مواجهه با روایات عماد که به سبک متکلف و مسجع تنظیم گردیده است آن را به سبک و سیاق نثر خود در الکامل که نثری ساده و روان است تبدیل می‌کند. وی چندان به عناوین متعدد و متشتت عماد اصفهانی در وقایع یکسال وفادار نمی‌ماند. و به شیوه تاریخ نگاری خود چندین عنوان روایات عماد را در یک عنوان و به شکل پیوسته روایت می‌کند.^{۲۸} در مواردی که عناوین روایات عماد پاسخ گوی خواننده ابن اثیر به واسطه ی بعد مکانی و زمانی از حوادث دوره عماد نیست به تغییر عنوان و اضافه توضیحات به آن می‌پردازد. در بعضی از موارد روایاتی که عنوان نداشته را عنوان می‌نهد. و دقت بیشتری در توضیح روایات در عنوان می‌دهد.^{۲۹} از آن جا که آثار عماد اصفهانی به سیره صلاح الدین اختصاص دارد و از ماهیت سلسله ای برخوردار است اخبار وی طبیعتا با تفصیل بسیار آمده است. متن مراسلات رسمی آورده شده است. که این همه را ابن اثیر با عنایت به این مهم که اثر او تاریخ عام بوده سعی در اختصار روایت در عنوان و متن کرده است (الاصفهانی، ۱۹۸۷/ ج ۳: ۵۶-۵۵). و بسیاری از نامه های رسمی صرف نظر کرده است.^{۳۰} در مواردی نیز وقایعی را که به رجال خاصی مربوط است حذف کرده است.^{۳۱} مقایسه تواریخ حوادث در روایات عماد و گزارش آن در الکامل روشن می‌کند که ابن اثیر تعدیلاتی را در این تواریخ وارد کرده است. وی صرفا به ثبت روزانه حوادث مهم منازعات مسلمین با صلیبیون پرداخته است.^{۳۲} و در موارد دیگر از روایات عماد روز آن را حذف کرده است.^{۳۳} در موارد دیگر او با حذف روز و ماه صرفا به ذکر سال بسنده کرده است (ابن اثیر، ۱۹۶۶/ج ۱۲: ۲۲). در بعضی از این حذفیات ممکن است اختلاف روز و ماه واقعه در روایت عماد با دیگر مصادر دلیل آن باشد.^{۳۴} ابن اثیر درباره اماکن جغرافیایی و اهمیت آن و یا شخصیت‌های صلیبی هم چون روایات ابن قلانسی توضیحاتی را اضافه می‌کند که نایستی دوستی او با یاقوت حموی صاحب معجم البلدان در این علاقه وی بی تاثیر بوده باشد (الاصفهانی، ۱۹۶۵: ۲۳۰).

ابن اثیر در بیان نظرات سیاسی خود در باره سیاست صلاح الدین در با جنگ با صلیبیان آزاد منش بیشتری از عماد اصفهانی از خود نشان می‌دهد. از جمله انتقادات وی به صلاح الدین مسئله فتح صور

بعد از آزادی بیت المقدس است که برای صلاح الدین امکان پذیر نشد. ابن اثیر دلیل آن را سیاست نادرست صلاح الدین بعد از فتح بیت المقدس می داند که به جای فتح صور خود را مشغول به فتح شهرهای کم اهمیت منطقه کرد و فرصت به مسیحیان برای دفاع از صور داد (ابن اثیر، ۱۹۶۶/ج ۱۱: ۵۴۳). انتقاد دیگر وی به ناتوانی صلاح الدین در محاصره طولانی مدت شهرها و قلعه‌هاست که فرصت های زیادی را در فتح شهرهای اسلامی از بین برد و دیگری سیره صلاح الدین در اجازه دادن به صلیبیون در ترک شهرهای اسلامی بعد از شکستشان است که فرصت تجمع دوباره و تجدید قوا به ایشان می داده است. که به جنگ سوم صلیبی منتهی شد. در بعضی موارد ابن اثیر دخالت امرای صلاح الدین در امور را باعث شکست وی دانسته است (همان، ج ۱۱: ۵۵۵). در برخی دیگر از موارد نیز خواسته تا او را هم سنگ عمر بن خطاب قرار دهد (همان، ج ۱۱: ۵۲۲). در مجموع شیوه نقل روایات و حوادث همواره با تحلیل و تشریح‌های وی همراه است که عماد به عنوان کاتب صلاح الدین این آزادی نظر را نداشته و کمتر به تحلیل رویدادها پرداخته است.

ابن اثیر علاوه بر آثار فوق از مصادری چون تاریخ العظیمی اثر ابو عبدالله محمد بن رئیس ابوالحسن تنوخی حلبی (متوفی بعد از سال ۵۵۸) (مصطفی، ۱۹۸۸/ج ۱: ۳۱) در رویدادهای جنگ صلیبی در سالهای ۵۱۴ و ۵۲۳ و ۵۲۷ استفاده کرده است (ابن اثیر، ۱۹۶۶/ج ۱۲: ۵۵۵). المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم ابن جوزی (متوفی: ۵۹۷) نیز که از مراجع ابن اثیر در کتاب الکامل است در این موضوع نیز مصدر ابن اثیر در حوادث جنگهای صلیبی سالهای ۴۹۲ است (ابن اثیر، ۱۹۶۶/ج ۱۰: ۲۸۴). تاریخ میخائیل سریانی نیز حداقل در رویدادهای صلیبی سال ۵۰۴ مرجع ابن اثیر بوده است (السریانی، ۱۹۹۶: ۱۸۴). در رویدادهای نیمه دوم قرن ششم و نیمه اول قرن هفتم ابن اثیر در خیلی از موارد بر روایات شفاهی اعتماد کرده، زیرا این روایات پدر وی و افراد مورد وثوق وی هستند.^{۳۵} بعلاوه همانطور که گفته شد او در بعضی از رویدادهای جنگهای صلیبی شرکت داشته است. و حوادث را به عیان دیده است.

نتیجه

منابع اسلامی جنگهای صلیبی در تمام حوزه‌های تاریخنگاری یافت می شوند. در میان تواریخ محلی کتاب ذیل تاریخ دمشق ابن قلانسی از قدیمی ترین منابع جنگهای صلیبی است به ویژه جنگهای دوره اول (۴۹۰-۴۹۲) و دوره دوم (۵۴۲-۵۴۳) که وی معاصر آن بوده است در واقعه محاصره دمشق در ایام نور الدین محمود زنگی اسنادی که ارائه میدهد در هیچ منبعی یافت نمی شود. اطلاعات وی درباره دوره اتابک طغتكین (۴۹۷-۵۲۲) و اقدامات او علیه صلیبیون در دمشق و ولایات همسایه چون

جزیره و مصر با اهمیت است. دو اثر ابن عدیم زبده الحلب و بغیه الطلب به ترتیب در مورد جنگ اول صلیبی و فرماندهان آن و دیگری قلاع و شهرها که تحت تصرف ایشان بوده اطلاعات ارزشمندی ارائه می دهند. در میان آثار تک نگاری این دوره دو اثر عماد اصفهانی به نامهای فتح قسی و برق شامی در جنگهای سوم صلیبی به واسطه آنکه عماد در کنار صلاح الدین شاهد رویدادها بوده از اهمیت بسیار برخوردار است. کتاب دیگر النوادر السلطانیه ابن شداد که در تاریخ صلاح الدین نگاشته شده است، بخش های از این اثر که به فتوحات صلاح الدین و جهادش با صلیبیان از سال ۵۸۴ قمری پردازد از نظر کثرت معلوماتی که از دو جبهه مسلمین و صلیبیان می دهد حائز اهمیت بسیار است خاصه این که او از همین زمان تا مرگ صلاح الدین در سلک ملازمان وی بوده است. بسیاری از اطلاعات ابن شداد از این دوره در آثار عماد اصفهانی یافت نمی شود در میان تواریخ سلسله ای کتاب الباهر ابن اثیر در منازعات عمادالدین و نورالدین زنگی حاکمان اتابکی موصل با صلیبیون منبع دست اول و متکی بر مشاهدات می باشد. کتاب دیگر الروضتین ابوشامه حوادث این جنگها را از سال ۵۴۰ تا ۵۸۹ را شامل می شود اهمیت کتاب الروضتین بیشتر در این است که از منابعی بهره جسته که امروز مفقود می باشد مثل کتاب تاریخ ابن ابی طی (متوفی: ۶۳۰) و اقتباسات بسیاری که از رسائل قاضی فاضل (متوفی: ۵۹۶) کرده است و نیز بخشهای از کتاب برق شامی عماد اصفهانی که امروز موجود نیست.

جامع ترین و کاملترین منبع اسلامی جنگهای صلیبی کتاب الکامل ابن اثیر در تاریخ عمومی است. که حوادث این جنگها را از سال ۴۹۰ تا ۶۲۸ قمری شامل می شود ابن اثیر در نگارش رویدادهای این جنگها به نوشته های تاریخی قبل از خود رجوع کرده و بعد از تبعی ژرف در این منابع به گزینش و ویرایش روایات آنها و چینشی نو در کتاب الکامل پرداخته است. از این آثار کتاب "الذیل" ابن قلانسی است که جنگهای مرحله اول و دوم صلیبی را شامل میشود. اثر دیگر کتاب "الباهر" خود ابن اثیر است که نقش دولت اتابکان موصل را در جنگ صلیبی دوم نشان میدهد منبع اصلی ابن اثیر در جنگ سوم صلیبی دو اثر عماد اصفهانی به نامهای "فتح قسی" و "برق شامی" است که در آنها نقش مجاهدات صلاح الدین علیه صلیبیان را روایت میکند. تاریخ عظیمی تنوخی و المنتظم ابن جوزی و تاریخ میخائیل سریانی از دیگر منابع ابن اثیر در این جنگها هستند. مع هذا از مشاهدات ابن اثیر و مصادر شفاهی وی بویژه در جنگ سوم صلیبی نباید غافل ماند.

یادداشت ها:

۱- مقصود از فرنگ فرانسویان بودند که در جنگ صلیبی اول و دیگر جنگها پیشتاز بودند. بنگرید (قاسم عبده، ۱۹۸۵: ۷).

- ۲- از نواحی معره مصرین از شهرستانهای حلب رک: (الحموی، ۱۹۵۵/ج ۱۸: ۱۵۵).
- ۳- ابن میسر از سفارت وی نزد امیر حمدان بن عبد الرحیم در عهد خلیفه فاطمی الامر باحکام الله خبر می دهد رک: (ابن میسر، ۱۹۱۹/ج ۲: ۷۰).
- ۴- "قد انتهیت من شرح ما شرحته من هذا التاريخ ورتبته وتحفظت من الخطأ والخلل والزلال فيما علقته من افواه الثقات نقلته، واكدت الحال فيه بالاستقصاء والبحث إلي أن صححته إلي هذه السنة المباركة وهي سنة ۵۴۰ هـ، رک: (ابن القلانسی، ۱۹۰۸: ۲۸۳).
- ۵- "وكنت قد مُنيت منذ سنة ۵۳۵ والي هذه الغاية بما شغل الخاطر عن الاستقصاء عما يجب اثباته في هذا الكتاب من الحوادث المتجددة من الاعمال والبحث عن الصحيح منها وجميع الاحوال، فتركت بين كل سنين من السنين بياضاً في الاوراق ليثبت فيه ما يُعرف صحته من الاخبار وتعلم حقيقته من الحوادث والانا "رک: (همان: ۲۸۳).
- ۶- منظور احمد بن حامد بن محمد معروف به عزیز عموی عماد است که چون وی مستوفی و مقرب سلطان محمود بن محمد بن ملکشاه سلجوقی بود مشهورترین فرد این خاندان نیز بود که عماد به نام وی شناخته می شد رک: (الصفدی، ۱۹۷۲/ج ۶: ۳۹۹).
- ۷- از این منابع در مقدمه کتاب (الروضتین) نام برده است بنگرید: (أبو شامة، ۱۹۶۵/ج ۱، ق ۸: ۷-۸).
- ۸- او منتخب الدین أبو زکریا یحیی بن حامد الحلبي معروف به ابن ابی طی است. به سال ۵۷۵هـ/۱۱۷۹م، متولد شد وی از جمله مورخین پرکاری است که بیش از سی کتاب تالیف کرد لیکن هیچ یک از آن به دست ما نرسیده است مشهورترین اثر وی کنز الموحدين فی سیره صلاح الدین است که ابوشامه در کتاب روضتین از آن نقل می کند. بنگرید: (مصطفي، ۱۹۹۸/ج ۱: ۳۹-۴۰).
- ۹- برای مثال، ابن اثیر در الكامل، سبط بن جوزی در مرآة الزمان و ابن عدیم در زبدہ الحلب.
- ۱۰- در حوادث سال ۵۱۳ در روایتی مربوط به ظهور قیور پیامبران بنی اسرائیل در بیت المقدس که از ابن قلانسی روایت می کند به دلیل بی اعتمادی به روایت می آورد "هكذا ذكره حمزة بن اسد التميمي في تاريخه و الله اعلم. رک: (ابن اثیر، ۱۹۶۶/ج ۱: ۵۶۰).
- ۱۱- برای نمونه روایت " ذکر ملک الفرنج مدینه صور" در حوادث سال ۵۱۸ که اصل روایت نزد ابن قلانسی در سه روایت مستقل ذیل حوادث سالهای ۵۰۶ و ۵۱۶ و ۵۱۸ مده است که ابن اثیر این روایات را با یکدیگر جمع و در یک روایت آورده است. رک: (ابن اثیر، ۱۹۶۶؛ ج ۱: ۶۲۰). (ابن قلانسی: ۱۹۰۸: ۱۸۲-۲۱۱). نمونه دیگر حوادث سال ۵۰۷ در ابن اثیر و ۵۰۶ و ۵۰۷ در ابن القلانسی.
- ۱۲- "فجمعت أنا الحادثة في موضع واحد وذكرت كل شيء منها في أي شهر أو سنة كانت، فأتت متناسقة متتابعة قد اخذ بعضها برقاب بعض" رک: (ابن اثیر، ۱۹۶۶/ج ۱: ۶).
- ۱۳- برای نمونه روایت " ذکر ما ملک الفرنج من الشام" در حوادث سال ۴۹۴ که در روایت ابن قلانسی استیلاء بر سروج و رها مقدم بر عکا است رک: (ابن قلانسی، ۱۹۰۸: ۱۳۸). در حالیکه ابن اثیر حصار عکا را در ابتداء این روایات قرار داده است و تسلسل روایات را به هم زده است. رک: (ابن اثیر، ۱۹۶۶/ج ۱: ۳۲۴). نمونه خلط و اشتباه روایت " ذکر ملک الفرنج جبیل و عکا من الشام " حوادث سال ۴۹۷ ابن قلانسی روایت میکند و فی هذا الشهر ورد الخبر بنزول بغدوين ملك الفرنج صاحب بيت المقدس في عسكرة علي ثغر عكا ومعه الجنويون والمراكب في البحر والبر وهم الذين كانوا ملكوا ثغر جبيل" رک: (ابن القلانسی، ۱۹۰۸: ۱۴۴-۱۴۳) در حالیکه ابن اثیر این روایت را چنین می آورد: "فلما فرغوا من جبيل ساروا إلي مدينة عكا" واقع ابن اثیر فتح جبیل را مقدمه عکا آورده در حالیکه ابن قلانسی آن را واقع ای پیشین آورده است. نمونه دیگر " ذکر ملک الفرنج جبیل و بانیاس فی سنه ۵۰۳.

- ۱۴- از این نمونه "ذکر ما ملک الفرنج من الشام، سنه (۴۹۴هـ/۱۱۰۰م). (ابن اثیر، ۱۹۶۶/ج ۱: ۳۲۴؛ ابن القلانسی، ۱۹۰۸: ۱۳۸-۱۳۹). "ذکر ما فعله الفرنج بالشام" سنه (۴۹۵هـ/۱۱۰۱م). (همان، ۱۹۶۶/ج ۱: ۳۴۵، ۳۴۶؛ همان، ۱۹۰۸: ۱۴۱) "ذکر حرب بین المسلمین والفرنج" سنه (۵۲۷هـ/۱۱۳۲م). (همان، ۱۹۶۶/ج ۱: ۶۸۵؛ همان، ۱۹۰۸: ۲۴۰، ۲۴۱) در مواردی حمله های غارتگرانه صلیبیون به مسلمین. برای نمونه: حوادث سالهای ۴۹۴-۵۱۷-۵۲۷-۵۰۲-۵۱۱-۵۱۴-۵۲۰.
- ۱۵- روایاتی که ابن اثیر مقدمه و خاتمه به آنها افزوده است: "ذکر الحرب بین ملک القسطنطنیة والفرنج، سنه (۵۰۰هـ/۱۱۰۶م). (ابن اثیر: ۱۹۶۶/ج ۱، ۱۰، ۴۲۵) "ذکر ملک الفرنج مدینة صیدا، سنه (۵۰۳هـ/۱۱۰۹م). (همان، ج ۱، ۵۷۹) "ذکر ملک الفرنج رقیة واخذها منهم، سنه (۵۰۹هـ/۱۱۱۵م). (همان/ج ۱: ۵۱۲) "ذکر ملک الفرنج حصن الانارب، سنه (۵۱۷هـ/۱۱۲۳م). (همان/ج ۱: ۶۱۰) "ذکر استیلاء الفرنج علی خرتبرت واخذها منهم، سنه (۵۱۷هـ/۱۱۳۲م). (همان/ج ۱: ۶۱۳) "ذکر ملک شمس الملوک بانباس، سنه (۵۲۷هـ/۱۱۳۲م). (همان/ج ۱: ۶۸۴)
- ۱۶- این روایات عبارتند از: "ذکر ما ملکه الفرنج من الشام، سنه (۴۹۴هـ/۱۰۹۹م). (ابن اثیر، ۱۹۶۶/ج ۱: ۳۲۴) "ذکر ما فعله الفرنج، سنه (۴۹۵هـ/۱۱۰۰م). (همان/ج ۱: ۳۴۵) "ذکر ملک الفرنج جبیل وعکا فی الشام، سنه (۴۹۷هـ/۱۱۰۳م). (همان/ج ۱: ۴۹۷) "ذکر ملک الفرنج جبیل وبانباس، سنه (۵۰۳هـ/۱۱۰۹م). (همان/ج ۱: ۴۷۶) "ذکر حرب بین المسلمین والفرنج، سنه (۵۲۷هـ/۱۱۳۲م). (همان/ج ۱: ۶۸۵)
- ۱۷- برای نمونه این روایت عظیمی که کلمات فتح و سیف را استفاده کرده است: "فتح الافرنج انطاکیة، فتح الفرنج معرة النعمان فی المحرم وتحولوا الي کفر طاب ثم الي حماه فلم یقدروا علیها ثم تحولوا الي القدس ففتحوها من ایدی المصریین... ر.ک: (Cahen, 1938 : 373)
- ۱۸- برای نمونه: "ذکر فتح جبلة" سنه (۵۸۴هـ/۱۱۱۸م). (الاصفهانى، ۱۹۶۵: ۲۳۳، ۲۳۳، ۲۷۳)
- ۱۹- برای نمونه: "فتح اللاذقیة" و غیرها من المدن سنه (۵۸۴هـ/۱۱۱۸م). (ابن شداد، ۱۹۶۴: ۸۹، ۸۷، ۹۶)
- ۲۰- برای نمونه روایت استیلاء الصلیبیین علی مدینه طرابلس که ابن قلانسی آن را در حوادث سال ۵۰۲ گزارش می دهد و ابن اثیر در حوادث سال ۵۰۳ که صحیح آن ۵۰۲ است. ر.ک: (همان: ۱۶۳) (همان/ج ۱: ۴۷۵)
- ۲۱- برای نمونه حوادث سال ۴۹۴ ابن قلانسی ابتداء خبر "مسیر سکمان بن ارتق الی الرها و سروج را می آورد و سپس خبر مرگ گندفری پادشاه بیت المقدس را ذکر می کند ر.ک: (ابن القلانسی، ۱۹۰۸: ۱۳۸). در حالیکه ابن اثیر این دو خبر را تحت عنوان واحد "ذکر ما ملک الفرنج من الشام" آورده و سپس خبر مرگ گندفری (گودفروا) را می آورد و خبر مسیر سکمان را بعد از آن می آورد ر.ک: (ابن اثیر، ۱۹۶۶/ج ۱: ۳۲۴)
- ۲۲- برای نمونه روایت ابن قلانسی از حوادث سال ۵۰۱ ذکر مسیر بودوئن الی مدینه صور ابتدای سال و در انتها سال و سار فی السنه الی مدینه صیدا و من ثم فرض الحصار علیها ابن اثیر با جمع بین این دو روایت در فقره "ذکر عده حوادث چنان می- نمایاند که بغدوین بعد از صور بسرعت به صیدا رفته است. ر.ک: (ابن القلانسی، ۱۹۰۸: ۱۶۲-۱۵۹) (ابن اثیر، ۱۹۶۶/ج ۱: ۴۵۵-۴۵۶) نمونه های دیگر: همان: ۱۹۲؛ همان/ج ۱: ۵۱۲؛ همان: ۲۵۵؛ همان/ج ۱: ۴۰).
- ۲۳- برای نمونه: روایت "ملک الفرنج مدینه صیدا" سال ۵۰۴ که دو بار یک بار مفصل و بار دیگر مختصر آورده است. ر.ک: (ابن اثیر، ۱۹۶۶/ج ۱: ۴۸۱-۴۷۹) (ابن القلانسی، ۱۹۰۸: ۱۷۱).
- ۲۴- برای نمونه: روایت "وفاه کواسیل ارمنی" که در سالهای ۵۰۶ و ۵۰۸ آمده است ر.ک: (ابن اثیر، ۱۹۶۶/ج ۱: ۵۰۲-۴۹۳).
- ۲۵- برای نمونه بنگرید: (ابن القلانسی، ۱۹۰۸: ۱۳۸) (ابن اثیر، ۱۹۶۶/ج ۱: ۳۲۴) و نیز: "ذکر ماملکاالفرنج من الشام" سنه (۴۹۵هـ/۱۱۰۱م). (ابن القلانسی، ۱۹۰۸: ۱۳۸) (ابن الاثیر، ۱۹۶۶/ج ۱: ۳۲۴) ب "ذکر ملک الفرنج جبیل وعکا من الشام" سنه (۴۹۷هـ/۱۱۰۳م). (ابن القلانسی، ۱۹۰۸: ۱۴۳) (ابن الاثیر، ۱۹۶۶/ج ۱: ۳۷۳) مسیر بغدوین الی مدینه صور لحصارها" فی سنه (۵۰۱هـ/۱۱۰۷م). (ابن القلانسی: الذیل: ۱۵۹) (ابن الاثیر، ۱۹۶۶/ج ۱: ۴۵۵)

- ۲۶- ابن اثیر در حوادث سالهای ۵۷۱ از عماد نام می برد و روایت وی را رد می کند: رک: (ابن اثیر، ۱۹۶۶/ ج ۱۱: ۴۲۹) و در حوادث سال ۵۸۶ از کتاب وی برق شامی نام می برد رک: (همان، ج ۱۲: ۵۶)
- ۲۷- برای نمونه روایت "ذکر انهزام صلاح الدین بالرملة" سنة (۱۱۷۷هـ/۱۱۷۷م) در الكامل در برق شامی با این عناوین اصلی و فرعی آمده است: "ذکر بروز السلطان بقصد الغزاة إلي غزة وعسقلان مستهل جمادى الاولى ونوبة الرملة مستهل جمادى الآخرة" سپس ۱. ذکر نوبة الرملة ونوبة الحملة يوم الجمعة غرة جمادى الآخرة او ثانيه. . ذکر الحملة التقوية واستشهاد ولده. عاد حديث نوبة الرملة. . كتاب رسمى من انشاء القاضى الفاضل إلي بعض الامراء ذكر فيه ما دفعه الله من نوبة الرملة. فصل فى نوبة الرملة من انشاء العماد الاصفهاني إلي الوزير بغداد. رک: (ابن اثیر، ۱۹۶۶/ ج ۱۱: ۴۴۲) (الاصفهانى، ۱۹۸۷/ ج ۳: ۳۱-۳۶-۴۰-۳۸).
- ۲۸- برای نمونه بنگرید به: روایات حوادث سال ۵۸۲هـ رک: (البنداری، ۱۹۷۹: ۲۸۸).
- ۲۹- از این رسائل: نامه آزادی بیت المقدس ۵۸۳، نامه واقعه عکا سال ۵۸۵، نامه جنگ بین سپاه اسلام و صلیبی در محاصره عکا سال ۵۸۶، نامه به دیوان خلافت عباسی درباره محاصره عکا، نامه به دیوان خلافت عباسی درباره خبر خروج پادشاه آلمان و خطر و برای شام. رک: (الاصفهانى، ۱۹۶۵: ۱۴۷-۳۱۳-۳۷۳-۳۷۶-۳۹۷).
- ۳۰- این مورد مربوط می شود به دشمنی ضیاء الدین وزیر ملک افضل و برادر ابن اثیر با عماد اصفهانی و دیگر دیوانسالاران پدر ملک افضل، صلاح الدین. رک: الفتح القسی: ۴۰۳؛ الكامل ج ۱۲: ۵۱.
- ۳۱- همچون: سقوط الحصن الذى بناه الصليبيون عند مخاضة الاحزان بيد المسلمين يوم (الخميس) - لست بقين من ربيع الاول لسنة ۵۷۵هـ/۲۹-ايلول-۱۱۷۹م) و یا آزادی بیت المقدس رک: الكامل/ ج ۱۱ ک ۴۵۷؛ الكامل/ ج ۱۱: ۵۳۳؛ البنداری: سنن البرق: ۲۹۴. تعداد این روایات ده عدد می باشد.
- ۳۲- همچون: "ذکر غزوة لسرية نورية" سنة (۱۱۶۹هـ/۱۱۶۹م) که ابن اثیر تاریخ آن را ۱۷ شوال آورده است در حالیکه عماد آن را چهارشنبه ۱۷ شوال آورده است. رک: الكامل/ ج ۱۱: ۳۵۳؛ البنداری، سنن البرق: ۵۶. و نیز حوادث سالهای ۵۸۳ رک: الكامل/ ج ۱۱: ۵۵۳؛ البنداری، سنن البرق: ۳۱۸.
- ۳۳- در روایت فتح قلعه صفد، ابن اثیر به تاریخ ابن شداد اعتماد می کند رک: (ابن اثیر، ۱۹۶۶/ ج ۱۲: ۲۳-۲۲) (ابن شداد، ۱۹۶۴: ۹۵).
- ۳۴- در این موارد ابن اثیر از کلمه حدثی استفاده می کند (ابن اثیر، ۱۹۶۶/ ج ۱۱: ۳۰۰).

منابع

ابن الاثیر، عز الدین ابی الحسن علی بن ابی الکریم محمد بن محمد بن عبد الکریم (۱۹۶۳) الباهر فی الدولة الاتابکیة، تحقیق: عبد القادر احمد طلیمات، القاهرة، دار الکتب الحدیثة.

الکامل (۱۹۶۶) _____

فی التاريخ. بیروت: دار صادر.

البنداری، الفتح بن علی بن محمد (۱۹۷۹) سنن البرق الشامی وهو اختصار لکتاب "البرق الشامی" للعماد الاصفهانی. تحقیق: فتحیة النبراوی. مصر: مکتبة الخانجی.

ابن تغری بردی: جمال ابن ابی المحاسن یوسف (۱۹۶۳) النجوم الزاهرة فی ملوک مصر والقاهرة، (القاهرة، المؤسسة المصرية العامة للتألیف والترجمة والطباعة والنشر.

- ابن الجزری، شمس الدین ابی الخیر محمد بن محمد (۱۹۳۳) *غایة النهاية فی طبقات القراء*. نشره: ج. برجستراسر، مصر، مکتبه الخانجی.
- ابن خلکان، ابو العباس شمس الدین احمد بن محمد (۱۹۷۷) *وفیات الاعیان وانباء ابناء الزمان*. تحقیق: احسان عباس. بیروت: دار صادر.
- ابن الدیثی، محمد بن سعید بن محمد (۱۹۷۷) *المختصر المحتاج الیه من تاریخ الحافظ ابی عبد الله*. تحقیق: مصطفی جواد، بغداد، مطبعة المجمع العلمي العراقي.
- الذهبی، شمس الدین ابی عبد الله محمد بن احمد (۱۹۸۶) *سیر اعلام النبلاء*، جلد ۲۲-۲۱، تحقیق: بشار عواد معروف ومحی هلال السرحان، ط ۳. بیروت: مؤسسه الرساله.
- السریانی، مارمیخائیل (۱۹۹۶) *تاریخ مارمیخائیل السریانی الكبير*، عربیه عن السریانیة: مارغریغوریوس صلیبا شمعون، تقدیم: مارغریغوریوس یوحنا ابراهیم، ط ۱، دمشق، مطبعة الف باء الادیب.
- سبط ابن جوزی: شمس الدین ابی المظفر یوسف (۱۹۵۲) *مرآة الزمان فی تاریخ الاعیان*. ط ۱. حیدرآباد: مطبعة دائرة المعارف العثمانية.
- ابو شامة، شهاب الدین ابی محمد عبد الرحمن (۱۹۶۵) *الروضتين فی أخبار الدولتين النورية والصلاحية*. تحقیق: محمد حلمی احمد، القاهرة: الدار المصرية للتالیف والترجمة.
- ابن شداد، بهاءالدین ابو المحاسن یوسف بن رافع (۱۹۶۴) *النوادر السلطانية والمحاسن اليوسفية*. تحقیق: جمال الدین الشیال، ط ۱، القاهرة: الدار المصرية للتالیف والترجمة.
- الصفدی، صلاح الدین خلیل بن ایبک (۱۹۶۱) *الوافی بالوفیات*. جلد ۱. تحقیق: هلموت ریتز، بیروت: دار صادر.
- ابن العدیم، کمال الدین عمر بن احمد بن ابی جرادة (۱۹۶۸) *زبدة الحلب من تاریخ حلب*. تحقیق: سامی الدهان. بیروت: المطبعة الكاثوليكية.
- _____ (۱۹۸۸) *بغیة الطلب فی تاریخ حلب*. تحقیق: سهیل زکار. بیروت: دار الفکر.
- العماد الاصفهانی: عماد الدین محمد بن محمد (۱۹۶۵) *الفتح القسی فی الفتح القدسی*. تحقیق: محمد محمود صبح. القاهرة: الدار القومية للطباعة والنشر.
- _____ ، البرق الشامی (۱۹۸۷) تحقیق: مصطفی الحیاری، (ط ۱، عمان، مؤسسه عبد الحمید شومان، ۱۹۸۷ م).

العماد الاصفهانی، خريدة القصر وجريدة العصر (١٩٥٥) تحقيق محمد بهجة الاثرى وجميل سعد بغداد مطبعة المجمع العلمى العراقى.

ابن القلانسی، ابو يعلى حمزة بن اسد بن على (١٩٠٨) ذیل تاریخ دمشق. بيروت: مطبعة الاباء اليسوعيين.

ابن ميسر، محمد بن يوسف بن جلب (١٩١٩)/خيار مصر. القاهرة: مطبعة المعهد العلمى الفرنسى. ياقوت الحموى، شهاب الدين بن عبد الله (١٩٢٢) معجم الادباء. تحقيق: صموئيل ماركوليوت. بيروت: دار المستشرق.

_____ (١٩٥٥) معجم البلدان. بيروت: دار صادر، دار بيروت.

العربى، الباز (١٩٦٢) مؤرخو الحروب الصليبية. القاهرة: دار النهضة العربية.

قاسم، قاسم عبده (١٩٨٥) الحروب الصليبية (وثائق ونصوص). بيروت: المؤسسة العربية للدراسات والنشر.

مصطفى، شاکر (١٩٩٨) فى التاريخ الشامى. تقديم: حسن بطيخه. دمشق: دار طلاس للدراسات والترجمة والنشر.

Ahmad. M. H : . Some Notes on Arabic Historiography during The Zengid and Ayyubid Periods (521-1127-648/1250). In: B. Lewis and A. Holt (eds) Historians of the Middle East (London, SOAS, 1962) .

Cahen, C" : .Chronique Abregee D'Al-Azimi", Journal Asiatique, (June- Sep, 1938).

Gabrieli, F : .

"Arabic Historiography of the Crusades", B. Lewis and A. Holt (eds.) Historians of the Middle East (London, SOAS, 1962) .

Richards, D. S. :

A Consideration of Tow Sources For The Life of Saladin", JSS, Vol. XXV, No,1980